

محمد نججوانی و نقشی او در کتابخانه مرکزی (ملی) تبریز



چکیده

محمد نججوانی در سال ۱۲۶۰ ش. در تبریز متولد شد. پس از تحصیل در طالبیه تبریز به تجارت مشغول شد. ایمان، اخلاق و امانت‌داری او زیانزد خاص و عام بود. وطن‌پرستی و حضور فعال در عرصه‌های حساس سیاسی در کنار کارهای علمی و تألیفات ارزشمندش، از او شخصیتی برجسته ساخته بود. عشق به کتاب و جمع‌آوری نسخه‌های خطی با تمام مشکلات و قیمت‌های گزاف از ویژگی‌های بی‌نظیر این دانشمند فرزانه در حوزه کتاب و فرهنگ محسوب می‌شود که در این راه از هیچ تلاش و کوششی حتی سفر به کشورهای خارجی دریغ نکرد و در جلوگیری از خروج نسخه‌های باارزش میهن کمر همت بست. حاصل این همه تلاش، کتابخانه‌ای عظیم، نفیس و پرمحتوا بود که در اختیار دانشمندان، کتاب‌دوستان، محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی بود. وی در کارهای عام‌المنفعه از جمله تأسیس کتابخانه تربیت تبریز پیش‌قدم و نخستین کسی بود که کمک نقدی چشمگیری را به تأسیس کتابخانه ملی تبریز کرد و کتابخانه چهارهزار جلدی کم‌نظیرش را که هزاروپانصد جلد نسخه خطی نفیس و منحصر به فرد داشت، به‌عنوان اولین مجموعه به این کتابخانه اهدا نمود. این اقدام وی باعث شد تا دیگر افراد خیر و فرهیخته تبریز در احداث کتابخانه مشارکت کرده و نیز به پیروی از او، تمام یا بخشی از کتابخانه شخصی خود را اهدا کردند. در سایه این حرکت‌ها و کمک‌ها، کتابخانه ملی تبریز شهرت بین‌المللی کسب کرده و امانت‌دار یونسکو شد. نججوانی در سال ۱۳۴۱ ش. در تبریز درگذشت.

کلیدواژه‌ها: محمد نججوانی، نسخه‌های خطی، کتابخانه ملی تبریز، کتابخانه مرکزی تبریز و وقف کتاب.

• علی صادق‌زاده وایقان *

دانشجوی دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

• اعظم نجفقلی‌نژاد

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی از
دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

تبریز تمدن و فرهنگی غنی و کهن دارد و آثار باستانی فرهنگی بجامانده، به‌ویژه ربع رشیدی و کتابخانه‌های تخصصی و غنی آن زبانزد دانشمندان و محققان بوده و در زمینه ارائه خدمات و تأسیس مراکز فرهنگی نیز شهر اولین‌هاست (صادق‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۴). کتابخانه مرکزی (ملی) تبریز در سال ۱۳۳۵ به‌همت مسئولان و مردم فرهنگ‌دوست این شهر تأسیس شد (همان، ص ۴۵) و کتاب‌هایی اهدایی برادران نخجوانی شهرت و غنای اولیه آن را سبب شد. این کتابخانه هم‌اکنون با فضایی بالغ بر ده‌هزار متر مربع در بهترین نقطه شهر تبریز قرار دارد و با سیصد هزار منبع کتابی و غیرکتابی (چند رسانه‌ای)، بزرگ‌ترین و مجهزترین کتابخانه عمومی تحت پوشش نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است و دارای شهرت بین‌المللی، و امانت‌دار یونسکو می‌باشد (همان، ص ۴۷).

از حیث نسخه‌های خطی، گنجینه منحصر به فرد نخجوانی‌ها را در سینه خود جای داده و با بیش از سه‌هزار نسخه خطی، یکی از گنجینه‌های غنی کشورمان در این حوزه محسوب می‌شود (همان، ص ۶۱).

از نسخه‌های خطی منحصر به فرد این کتابخانه، وقف‌نامه ربع رشیدی است که به‌خط خود خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و قسمتی از آن نیز به‌خط حاکم آن زمان تبریز است که فقط یک نسخه از آن در تمام جهان وجود دارد و علما، دانشمندان و دیوانیان زیادی از جمله علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ ق.) بر اصالت آن گواهی داده‌اند. این اثر در اسفند ۱۳۸۴ پس از ثبت در حافظه ملی برای ثبت در حافظه جهانی به سازمان یونسکو معرفی شد و پس از طی مراحل مختلف کارشناسی در سازمان مذکور، سرانجام در خردادماه ۱۳۸۶ در حافظه جهانی به‌عنوان اولین اثر از ایران، به ثبت رسید.^۲

از دیگر نسخه‌های خطی ارزشمند این کتابخانه می‌توان به انجیل متعلق به ۱۲۰۰ سال قبل که روی پوست ماهی نوشته شده، شرح اصول کافی به‌قلم خود ملاصدرای شیرازی و دیوان صائب تبریزی به‌قلم خود شاعر اشاره کرد (محمدپور، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

حاج محمد فرزند حاج علی عباس نخجوانی و خواهرزاده شاعر نامدار آذربایجان، میرزا علی لعلی، در سال ۱۲۹۷ ق. / ۱۲۶۰ ش. که خود آن مرحوم تاریخ مولود را برای خود ماده تاریخ ساخته بود، در شهر تبریز در خانواده‌ای دانش‌دوست چشم به جهان گشود

زندگی‌نامه نخجوانی

حاج محمد فرزند حاج علی عباس نخجوانی و خواهرزاده شاعر نامدار آذربایجان، میرزا علی لعلی، در سال ۱۲۹۷ ق. / ۱۲۶۰ ش. که خود آن مرحوم تاریخ مولود را برای خود ماده تاریخ ساخته بود، در شهر تبریز در خانواده‌ای دانش‌دوست چشم به جهان گشود (سلیمی باهر، ۱۳۷۴، ص ۱۹). پدرش تاجر بود و در علم قرائت (تجوید)، استاد و یکی از شاگردان مبرز شیخ عبدالرحیم سلطان‌القرآء به‌شمار می‌رفت.

نخجوانی در اواخر سال ۱۳۰۶ ق. وارد مکتب مرحوم سیدحسین زنوری ملقب به امین‌الادبیا شد. در سال ۱۳۰۸ از مکتب صرف‌نظر کرد و به‌اتفاق آقای تقی‌زاده و مرحوم حاج محمدعلی بادامچی در یکی از حجرات مدرسه طالبیه به تحصیل پرداختند (صادق‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). در راه پیشبرد علم و دانش، لحظه‌ای درنگ نکرد و قلبش که همواره برای اعتلای میهنش و به‌ویژه زادگاهش، تبریز می‌تپید، سرانجام چهاردهم مرداد ۱۳۴۱ ش. از تپیدن باز ایستاد و به سرای جاودانی شتافت و به تاریخی که مذکور افتاد در مقبره خانوادگی طوبائی تبریز به خاک سپرده شد (مدرس، ۱۳۴۱، ص ۱۱). نخجوانی سه پسر به نام‌های علی، دکتر عباس (استاد دانشکده پزشکی تبریز) و رضا نخجوانی داشت که هر سه در گذشته‌اند (سرداری‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۳۲۱).

ویژگی‌های بارز نخبوانی

۱. سیاست

نخبوانی شخصیتی بود درآشنا و آگاه به مسائل سیاسی روز، و سستی را که حاکمیت و ایادی شرور آن بر ملت ستمیده ایران تحمیل می‌کرد، به‌خوبی درک می‌کرد. او همگامی و همفکری با آزادی‌خواهان و روشنفکران را وظیفه انسانی و اخلاقی خود می‌دانست (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۵). وقتی هیاهوی مشروطیت بلند شد، او از طرفداران مشروطیت بود و چون آزادی‌خواه بود، در صف آزادی‌خواهان جای گرفت (امیرخیزی، ۱۳۴۱، ص ۱۰ - ۱۱).

۲. کتاب دوستی

این مرد پرتلاش در طول قریب به ۸۵ سال زندگی با سعادت، دمی بدون کتاب نزیست (مدرس، ۱۳۴۱، ص ۱۱). عشق و علاقه خاصی به کتاب داشت و همواره مشغول مطالعه بود (نخبوانی، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

حاج محمدآقا نخبوانی یکی از

بازرگانان مهم و مورداحترام تبریز

بود. شخصی دانشمند، محقق، پاکدامن،

خوشنام، نیکوکار و فروتن، در عین

حال جدی، سخت‌گیر، دارای

صراحت بیان، صادق‌الولد، عاشق

کتاب و دوستدار کسی که پاک و

دوستدار کتاب بود

۳. تجارت

حاج محمدآقا نخبوانی یکی از بازرگانان مهم و مورداحترام تبریز بود. شخصی دانشمند، محقق، پاکدامن، خوشنام، نیکوکار و فروتن، در عین حال جدی، سخت‌گیر، دارای صراحت بیان، صادق‌الولد، عاشق کتاب و دوستدار کسی که پاک و دوستدار کتاب بود. او برای جاه و مقام به کسی احترام نمی‌کرد، از معنایی که خود نیکو و درست تشخیص داده، حتی به‌خاطر یک جمع نیز عدول نمی‌کرد، مگر خلاف آن تشخیص، برای وی ثابت شود. گوش شنوا به تملق و مدح خود نداشت. اگر کسی توقع بی‌جایی از وی می‌داشت، صاف و پوست‌کنده، عدم اجابت آن را اظهار می‌کرد. در عین تواضع و

ادب، حاضر نبود ولو یک لحظه زیر سخنان غیرمنطقی کسی برود (کارنگ، ۱۳۳۸، ص ۳۸).

۴. اخلاق و امانت‌داری

نخبوانی همراه با فضل و دانش و اطلاعات علمی و ادبی که در نتیجه تحصیلات دوران جوانی و مطالعات تقریباً مستمر دوره‌های بعدی به‌دست آورده بود، به فضائل اخلاقی ذاتی و اکتسابی بسیاری هم آراسته بود که همه آن فضائل کمتر اتفاق می‌افتاد که در یک فرد یکجا جمع شود و به ملاحظه آن کمالات و فضائل، آن مرحوم حقاً یک مرد آراسته و مهذب بود. او امانت و دیانت و پاکدامنی را با خوشرویی و خوش‌ذوقی و لطف طبع، جمع کرده بود و همچنین وقار، خویشتن‌داری و کم‌حرفی را با تواضع و ادب و حسن معاشرت درهم آمیخته بود (مجتهدی، ۱۳۴۱، ص ۴۳).

۵. ایمان

از انجام وظایف دینی خود غفلت نمی‌کرد. فریضه حج را در همان اوایل جوانی به‌جا آورده بود و بعدها به زیارت عتبات عالیات و مشهد مقدس مکرر توفیق یافت، علاوه بر آن به شهرهای مختلف ایران، کشورهای آسیایی و اروپایی و مصر بسیار سفر کرده بود. این سفرهای طولانی برای او اسباب کسب معرفت و تجربه در زندگی بوده است و هیچ‌گونه آلاچی که جهانگردان گرفتار آن می‌شوند، دامن‌گیر آن مرحوم نشده بود (صادق‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳).

۶. وطن‌پرستی

از سجایای بسیار عالی آن مرحوم، وطن‌پرستی و علاقه‌مندی به مصالح و منافع وطن بود و مخصوصاً به شهری که در آن چشم به دنیا گشوده و بزرگ شده و تربیت یافته بود، علاقه و محبت فراوانی داشت و از هر ترقی و افتخاری که نصیب وطن عزیز می‌شد، شادمان و مفتخر می‌شد و در کارهای خیر شهر تبریز بدون توقع نفع مادی همکاری داشت (مجتهدی، ۱۳۴۱، ص ۴۳ - ۴۴).

۷. علمی

نخبوانی هرگز داعیه ادیب‌بودن نداشت، اما از خم خانه ادب فارسی سرمست بود و نکته‌های دلکش و بی‌تکلف سر می‌داد. او ادعایی نداشت، اما از سر شوق می‌نوشت و می‌خواند و در عرصه ادب فارسی، مطالعات عمیقی داشت. گواه این



کتاب
اطلاعات
آرشیفات
دانش‌تاشی



نخجوانی شخصیتی بود در آشنا و آگاه به مسائل سیاسی روز، و ستمی را که حاکمیت و ایادی شرور آن بر ملت ستمیده ایران تحمیل می کرد، به خوبی درک می کرد

مدعا مقالاتی است که در زمینه‌های مختلف نوشته است (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۵). وی در کتاب‌شناسی و شناخت انواع خطوط از استادان بنام عصر خود به‌شمار می‌رفت. عاشقی بود بی‌تکلف و از اطلاعات عمیقی که در زمینه‌های مختلف اندوخته بود، هرگز سخن به‌میان نمی‌آورد. قلمی شیرین، روان و ساده داشت. چون به نقد می‌پرداخت تواضع، فروتنی و ادب نفس را در حد اعلا منعکس می‌ساخت. عجب و غرور در نوشته‌هایش نبود (همان، ص ۶). هر کتابی را که مطالعه می‌کرد، یادداشت‌هایی در حاشیه آن می‌نگاشت و بی‌شک این یادداشت‌ها عمق اطلاعات علمی و علاقه وی به مطالعات و تحقیقات ادبی را نشان می‌دهد. نمونه‌هایی از این یادداشت‌ها را عزیز دولت‌آبادی جمع‌آوری کرده و به چاپ رسانده است (همان، ص ۷).

۸. چهره‌ای ملی و بین‌المللی

مرحوم نخجوانی با دانشمندان و ایران‌شناسان داخلی و خارجی بسیاری رابطه علمی داشت، اهمیت و شهرت جهانی پیدا کرده بود. اغلب کتابخانه‌های معتبر ایران و کتابخانه‌های شخصی کتاب‌دوستان داخلی و خارجی فیض باب بخشش او بوده‌اند و کمتر کتاب‌دوستی را می‌توان یافت که از کتاب‌های نفیس او استفاده نکرده یا کتابی به یادگار از آن مرد نیک‌سرشت در کتابخانه خود نداشته باشد (سیدیونسی، ۱۳۴۸، ص [پنج]).

نه تنها همه اهل فضل و طالبان علم و ادب در تبریز با او آشنایی و مراوده علمی داشتند و وجودش همیشه شمع جمع احباب و ارباب دانش و مشعل فروزان علم و ادب بود، بلکه در سایر نقاط ایران هم و به‌خصوص در تهران و مشهد صیت فضل و کرامات و فضائل او معروف و مشهور بود و فضایی مملکت از هر سو برای استفاده از او و کتابخانه‌اش به او مراجعه کرده یا به تبریز رومی آوردند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۵۲ - ۵۳).

از شرق‌شناسان و دانشمندان و مسئولان هرکس به تبریز می‌آمد، سراغ او می‌رفت و از مصاحبتش بهره‌مند می‌شد (صادق‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

به یک چینی فروخته شده، ناچار به چین می‌رود، ولی آنجا نیز می‌گویند یک تاجر ایتالیایی آن را به رم برده است. وی بلافاصله به ایتالیا عزیمت می‌کند، آنجا هم متوجه می‌شود کتاب موردنظر به یک کتاب‌فروش پارسی فروخته شده است. نخجوانی سرانجام کتاب را به قیمت گزافی خریده و به ایران بازمی‌گرداند. این کتاب همان دیوان کمال خجندی است که به‌قلم خودش در قرن نهم قمری نوشته شده است (محمدپور، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

خدمات نخجوانی

۱. امانت کتاب

سلیقه نخجوانی برخلاف سلیقه معمولی غالب کتابداران جهان بود (مدرس، ۱۳۴۱، ص ۱۴۵). در کتابخانه نفیس وی به روی عارف و عامی باز بود و نسخه‌های کمیابی که به هزاران زحمت و مشقت تهیه شده بود، با گشاده‌رویی و گشاده‌دستی در اختیار اهل فضل قرار می‌گرفت و هرگز بخل و خستی از خود نشان نمی‌داد و این را نوعی خدمت به فرهنگ و ترویج علم می‌دانست (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۴ - ۵). هر کسی در نقطه‌ای از ایران به یک کتاب خطی نادری نیاز پیدا کرده و با او مکاتبه می‌کرد، بی‌مضایقه عین نسخه خطی کتاب را با پست برایش می‌فرستادند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۵۳). غالباً دیده می‌شد که استادی از دانشگاه تهران یا یک مستشرق اروپایی در منزلش مشغول مطالعه کتاب یا برداشتن یادداشت از روی یک نسخه خطی است (مجتهدی، ۱۳۸۵، ص ۷۱).

۲. کمک به ساختمان کتابخانه تربیت تبریز

نخجوانی در تأسیس کتابخانه تربیت تبریز - نخستین کتابخانه عمومی فعال تبریز و ایران به‌سبک نوین - نقش مهمی داشته و از جمله در بنای ساختمان کتابخانه تربیت که در سال ۱۳۰۰ ش. آغاز شد، وی جزء ۱۴ نفری بود که به عضویت هیئت مدیره آن درآمد و در به‌ثمررساندن آن کتابخانه معظم زحمات زیادی متحمل شد (سلیمی باهر، ۱۳۷۴، ص ۲۲).

۳. کمک به ساختمان کتابخانه مرکزی (ملی) تبریز

او در ساختمان کتابخانه ملی نیز سهم بزرگی داشت. در نقشه ایجاد آن همفکری کرده و برای بنای آن قبل از همه، مبلغ صد هزار ریال اهدا کرد. بنای این کاخ بزرگ فرهنگی با همین پول شروع شده است (کارنگ، ۱۳۳۸، ص ۳۹). طبق اسناد موجود، کمک نقدی آقای نخجوانی برای احداث ساختمان،

۹. عشق به فراهم‌آوری مخطوطات

نخجوانی به‌دلیل علاقه‌ای که به سیر و سیاحت داشت، به هندوستان، پاکستان، افغانستان، مصر، شامات و اغلب ممالک اروپا سفر کرده و دیدن دانشمندان و خرید کتاب‌ها، خصوصاً کتاب‌های خطی، در این سفرها وجهه همت وی بود و به‌خصوص از نسخ خطی منحصر به فردی که به عناوین مختلف از کشور ایران خارج و به‌دست بیگانگان افتاده بود، می‌خرید و به کشور بازمی‌گرداند و بدین نحو، این ذخائر معنوی گرانبها را تا حدود امکان از دستبرد حوادث و تصرف نااهلان محفوظ می‌داشت و خیانت‌ها و حداقل اشتباهات دیگران را جبران می‌کرد و از این راه خدمت گرانبهایی برای این آب و خاک انجام می‌داد (مدرس، ۱۳۴۱، ص ۱۵). عشق و آفری به جمع‌آوری نسخ خطی نادر داشت (زندگی‌نامه ...، ۱۳۸۵، ص

در کتابخانه نفیس وی به
روی عارف و عامی باز بود
و نسخه‌های کمیابی که به
هزاران زحمت و مشقت تهیه
شده بود، با گشاده‌رویی و
گشاده‌دستی در اختیار اهل
فضل قرار می‌گرفت

۷۰). اگر یک کتاب خطی مهمی در محل بسیار دور و درازی سراغ می‌گرفت، به هر قیمت و هر وسیله - که ممکن بود - آن را به‌دست می‌آورد (نخجوانی، ۱۳۸۵، ص ۷۳). عشق او به جمع‌آوری نسخه‌های کمیاب تماشایی است. گاهی برای تهیه یک کتاب نفیس خطی از تبریز به اصفهان و شیراز مسافرت کرده و با زحمت آن را به‌دست آورده است. حاج‌محمد در فن کتاب‌شناسی، تخصصی کامل داشت. به مجرد دیدن یک کتاب خطی، تاریخ تحریر و درجه اهمیت آن را می‌گفت (مجتهدی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۴).

در یکی از نسخه‌های خطی مجموعه نخجوانی آمده است: حاج‌محمد نخجوانی برای به‌دست‌آوردن نسخه‌ای راهی هند می‌شود. در آنجا مطلع می‌شود که کتاب موردنظر



بیشترین کمک نقدی بوده است (تأسیس و...، ۱۳۳۸، ص ۲). علاوه بر این بر نحوه احداث ساختمان کتابخانه مرکزی (ملی) تبریز نظارت داشت (سلیمی باهر، ۱۳۷۴، ص ۲۲).

۴. گنجینه نخجوانی اولین مجموعه کتابخانه ملی تبریز

نخجوانی در طول سالیان متمادی، تعداد معتابهی کتاب جمع کرده بود. این کتابخانه مخصوص، از لحاظ کیفیت خیلی قابل توجه بود. بسیاری از کتاب‌های خطی در کتابخانه وی جمع شده بود که بسیار کمیاب یا نسخه منحصر به فرد بود. بعضی از نسخه‌های او، در زمان خود مؤلف نوشته شده است (مجتهدی، ۱۳۴۱، ص ۴۵). همین توجه به خرید کتاب، خاصه نسخه‌های خطی موجب شد تا به مرور، کتابخانه‌ای درخور توجه ایجاد کند که مورد استفاده اهل فضل قرار گیرد (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۴).

حاصل یک عمر تلاش حاج محمد نخجوانی یک کتابخانه آبرومند و پرارزش است که در حدود سه هزار و پانصد جلد کتاب دارد. این کتابخانه گرچه از لحاظ کمی، بزرگ نیست، ولی از لحاظ کیفی و محتوای نسخ خطی کهن و نادرالوجود و حتی منحصر به فرد، بسیار ارزشمند و مهم، و مرجع محققان داخل و خارج است.

بذل محبوب‌ترین اموال، بزرگ‌ترین همت‌ها را می‌خواهد. نخجوانی همه کتاب نفیس را که در طول عمر دراز و ارزنده، و سفرهای طولانی و مفید خود و با صرف مبالغ هنگفتی به دست آورده، رایگان به کتابخانه ملی تبریز وقف کرد و هم‌زمان با افتتاح کتابخانه ملی در سال ۱۳۳۵، پانصد جلد از کتاب‌هایش را به آنجا منتقل نمود (کارنگ، ۱۳۳۸، ص ۳۹). تعداد کتاب‌های اهدایی وی به این کتابخانه در مجموع ۳۶۹۲ جلد است که ۲۵۲۹ جلد آن چاپی و ۱۱۶۳ [۱۴۶۸] جلد آن خطی بوده و فهرست خطی آن توسط میروودود سیدیونسی در سه جلد در طول سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ تنظیم و از سوی خود کتابخانه منتشر شده است (دولت آبادی، ۱۳۵۰، ص ۶۳).

مفاد قسمتی از سندی که در این باب تنظیم شده از این قرار است: «مرحوم نخجوانی به موجب سند رسمی مورخه بیست و چهار مهرماه ۱۳۳۵ هجری شمسی چنین مقرر داشته است که کلیه کتاب‌های او از علمی، ادبی، چاپی و خطی به هر میزان و به هر زبان که باشد اعم از تفاسیر، دواوین، تذکره‌ها، تاریخ، جغرافی، فقه، اصول، طب، ریاضی و هیئت و نجوم و غیرها کائناً ما کان مجاناً و بلاعوض پس از

وفاتش به کتابخانه و قرائتخانه تبریز واصل و عاید گردید تا مطابق مقررات داخل کتابخانه، مورد مطالعه و استفاده عموم قرار گیرد و مراقبت شود که تمامی آنها در فهرست کتابخانه، وارد و یا فهرست مخصوص برای آنها در کتابخانه تهیه و در دسترس عموم گذارده شود و تمامی کتب مزبور بلافاصله در آن کتابخانه در معرض استفاده عموم مراجعین قرار گیرد و مخصوصاً در صورت مجلس قید شود که کتابخانه مذکور فقط در تبریز در کتابخانه مذکور مورد استفاده قرار خواهد گرفت».

(تأسیس و...، ۱۳۳۸، ص ۲ و ۷)

«رئیس حکومت وقت [در بازدیدی که ضمن تشریف‌فرمایی به آذربایجان در تاریخ ششم اردیبهشت سال ۱۳۳۷ از کتابخانه ملی به عمل آوردند سند رسمی وقفنامه کتابخانه ذی‌قیمت شخصی جناب آقای حاج محمد نخجوانی را که به حضور معظم له تقدیم شده بود، به مدیر کل فرهنگ

حاصل یک عمر تلاش حاج محمد نخجوانی یک کتابخانه آبرومند و پرارزش است که در حدود سه هزار و پانصد جلد کتاب دارد. این کتابخانه گرچه از لحاظ کمی، بزرگ نیست، ولی از لحاظ کیفی و محتوای نسخ خطی کهن و نادرالوجود و حتی منحصر به فرد، بسیار ارزشمند و مهم، و مرجع محققان داخل و خارج است

آذربایجان مرحمت نمودند و در قبال این مساعدت، ضمن قدردانی، یک قطعه نشان سپاس درجه یک به سینه آقای نخجوانی نصب فرمودند» (تأسیس و...، ۱۳۳۸، ص ۲ و ۷).

۵. تألیفات

این مرد نیکنام، علاوه بر اینکه کتاب‌شناسی فاضل بود، شاعری توانا، نویسنده‌ای چیره‌دست، محقق، دانشمند و مترجمی باذوق هم بود (سلیمی باهر، ۱۳۷۴، ص ۱۹) و در ساختن ماده تاریخ ید طولانی داشت (همان، ص ۲۲).

از آثار قلمی و تألیفات نخجوانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) فهرست کتب خطی کتابخانه دولتی (تربیت) تبریز،

۱۳۳۹ ش، ۳۱۹ ص

داشت (طباطبایی مجد، ۱۳۸۵، ص ۱۳). وی، در میان ادبا و فضلالی شهر تبریز محبوبیت خاصی داشت. با حضور او انجمن ادبی هفتگی در روزهای سه‌شنبه هر هفته، به صورت متناوب در منزل یکی از اعضای انجمن تشکیل می‌شد. با مرگ نخجوانی این انجمن از هم پاشیده شد (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۸).

تجلیل از نخجوانی

علاوه‌بر بزرگداشت و تقدیر از وی در نشست‌ها و گردهمایی‌های مختلف در تبریز، مقالات و سخنرانی‌های بسیاری در تجلیل از این شخصیت وارسته منتشر و ارائه شده است. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران در هفتادمین مراسم نکوداشت خادمان فرهنگ کشور، در بهمن ۱۳۸۴ از خدمات علمی و فرهنگی شادروان حاج محمد نخجوانی به‌عنوان استاد فرهیخته و نسخه‌شناس برجسته، تجلیل و کتابی در این خصوص با عنوان زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد حاج محمد نخجوانی در سال ۱۳۸۵ منتشر کرد.

سخن پایانی

نخجوانی برای کتابخوانان و فرهنگ‌دوستان، نامی آشنا و قابل احترام است، زیرا عمر پربرکتش را در راه جمع‌آوری کتب نادر و خطی صرف کرد و حاصل آن همه تلاش هم اکنون به‌صورت گنجینه‌ای شایگان در دل کتابخانه ملی تبریز جای گرفته که مایه آبروی شهر تبریز است (سلیمی باهر، ۱۳۷۴، ص ۱۹).

این اقدام نخجوانی [وقف ۱۱۶۳ جلد کتاب خطی به کتابخانه مرکزی تبریز] مصداق بارز و نمونه کاملی از حسنات جاریات است که در دست روزگار چون زر عیار خواهد ماند و از باد و باران و تابش آفتاب، گزند نخواهد دید و روح آن مرحوم از آب زندان و شفاعت این عمل نیک و از ثمرات این درخت بارور و سایه‌گستر، پیوسته سیراب و بهره‌مند خواهد شد و به آیندگان خواهد گفت:

تلک آثارنا تدلّ علینا فانظروا بعدنا الی الآتار

(مدرس، ۱۳۴۱، ص ۱۸).

امید می‌رود که اهل فضل و کتاب با پیروی از اقدام پسندیده خانواده نخجوانی، با وقف کتابخانه شخصی خویش به این کتابخانه عام‌المنفعه بر رونق و جلوه و اهمیت کتابخانه مرکزی تبریز افزوده و اجری جزیل و نامی نیکو و پایدار برای خود ذخیره فرمایند (شاه‌روان، ۱۳۸۵، ص ۹۱).

در این فهرست معرفی کتاب‌ها به‌اندازه‌ای کامل آمده است که ممکن نیست یکی از آنها را با دیگری اشتباه کرد. این فهرست را می‌توان یک کتاب شرح‌حالی از رجال بزرگ ادب و تفسیر و فقه و حدیث و نجوم و هیئت و ریاضی و تاریخ و غیره دانست که تألیفات آنان با نهایت دقت و غور بررسی و موشکافی تحقیق و معرفی شده است و احیاناً کیفیت کاغذ و سطر بندی و نوع مرکب و طول و عرض کتاب و شماره صفحات و همه علائم و رموزات مخصوص کتاب بی‌تسامح و غفلت بیان شده است (صبا، ۱۳۸۵، ص ۸۹).

ب) تصحیح دیوان ابومنصور حکیم قطران تبریزی از شعرای قرن پنجم قمری. برای این منظور، از نسخه‌ای که با خط میرزا محمدعلی مصاحبی نائینی متخلص به عبرت بوده، عکس‌برداری کرده و آن را متن قرار داده و پس از تطبیق با نسخ

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران در هفتادمین مراسم نکوداشت خادمان فرهنگ کشور، در بهمن ۱۳۸۴ از خدمات علمی و فرهنگی شادروان حاج محمد نخجوانی تجلیل کرد

دیگر این کار را با حسن وجه ممکن به پایان رسانده است. (ج) مقالات تحقیقی سودمندی در زمینه تاریخ و ادبیات داشته که در مجلات ارمغان، ماهتاب، یادگار، یغما و مجله دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسیده است (طباطبایی مجد، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

د) ساختن ماده تاریخ^۴

و) دیوان حیران خانم دنبلی، متضمن چهارهزاروپانصد بیت فارسی و ترکی آذری را از روی تنها نسخه‌ای که در اختیارش بود در سال ۱۳۲۴ به چاپ رساند.

ز) چاپ اشعار معجز شبستری (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۹).

۶. سایر خدمات و فعالیت‌های عام‌المنفعه

محمد نخجوانی در اغلب مجامع خیریه، از جمله دارالتربیه، شیروخورشید، انجمن‌های ادبی و اتاق تجارت تبریز عضویت



پی نوشت‌ها:

* sadeghzadeh3832@yahoo.com

۱. کتابخانه ملی تبریز در پی انتقال از ساختمان باغ گلستان به ساختمان جدید در سال ۱۳۸۰، برای احترام به تقاضای کتابخانه ملی ایران به کتابخانه مرکزی تبریز تغییر نام یافت. منظور و هدف استفاده کنندگان از واژه «ملی» در عنوان کتابخانه ملی تبریز مفهوم مردمی بوده است.
 ۲. بنگرید به: بروشور ثبت وقفنامه ربع رشیدی در حافظه جهانی یونسکو.
 ۳. با استناد به کتاب فهرست کتابخانه ملی تبریز: نسخه‌های خطی اهدایی مرحوم محمد نجوانی - جلد اول (۴۰۵ جلد از الف - خ) سال ۱۳۴۸، جلد دوم (۵۲۸ جلد از د - ش) سال ۱۳۵۰ و جلد سوم (۵۳۵ جلد از ص - ی) سال ۱۳۵۳ - جمع نسخه‌های خطی اهدایی مرحوم نجوانی ۱۴۶۸ جلد است.
 ۴. ماده تاریخ پدیده‌ای است که از قرن هفتم به بعد در ادبیات فارسی رواج یافت و آن ذکر تاریخ‌هایی است در قطعه‌های کوتاه برای واقعه‌های گوناگون اعم از جلوس یا فوت یا قتل پادشاه یا مرگ و قتل امیر، وزیر، دبیر، شاعر و حکیم به کار می‌رفته است. معمولاً شعری که از این راه پدید آید، قطعه‌ای کوتاه است که شاعر در یکی دو بیت آخر آن تاریخ موردحجت را ذکر می‌نماید و بیت‌های پیشین از آن را برای تمهید می‌آورد و معمولاً این مقدمه برای معرفی و بیان وجه اهمیت کسی یا واقعه‌ای گفته می‌شود که تاریخ آن ذکر شده است. تاریخ گوئی به این نحو را ماده تاریخ‌سازی می‌گویند.
- مآخذ:**
۱. امیرخیزی، اسماعیل (۱۳۴۱). «از آقای حاج اسماعیل آقا امیر خیزی»، نشریه کتابخانه ملی تبریز: به یاد مرحوم حاج محمد نجوانی، ش ۶۰ (دی ۱۳۴۱).
 ۲. تأسیس و فعالیت‌های کتابخانه ملی تبریز (۱۳۳۸).
 ۳. نشریه کتابخانه ملی تبریز، ش ۱ (تیر ۱۳۳۸).
 ۴. تقی‌زاده، حسن (۱۳۸۵). «حاج محمد آقا نجوانی»، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمد نجوانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 ۵. دولت آبادی، عزیز (۱۳۵۰). کتابخانه‌های آذربایجان، تبریز: اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی.
 ۶. سرداری‌نیا، صمد (۱۳۷۷). مشاهیر آذربایجان، تبریز: دانیال.
 ۷. سلیمی باهر، حسین (۱۳۷۴). «بررسی وضعیت کتابخانه ملی تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال.
 ۸. سیدیونسی، میر ودود. (۱۳۴۸). فهرست کتابخانه ملی تبریز: نسخه‌های خطی ... ج ۱، تبریز: کتابخانه ملی تبریز.
 ۹. سیدیونسی، میر ودود. (۱۳۵۰). فهرست کتابخانه ملی تبریز: نسخه‌های خطی ... ج ۲، تبریز: کتابخانه ملی تبریز.
 ۱۰. سیدیونسی، میر ودود. (۱۳۵۳). فهرست کتابخانه ملی تبریز: نسخه‌های خطی ... ج ۳، تبریز: کتابخانه ملی تبریز.
 ۱۱. شه‌روان، نصرالله (۱۳۸۵). «گنجینه نجوانی»، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمد نجوانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 ۱۲. صادق‌زاده، علی (۱۳۸۴). «بررسی سازمان‌دهی و اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی تبریز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
 ۱۳. صبا، علی اکبر (۱۳۸۵). «نظری به مقالات نجوانی». زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمد نجوانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 ۱۴. طباطبایی مجد، غلامرضا (۱۳۸۵). «محمد نجوانی». زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمد نجوانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 ۱۵. کارنگ، عبدالعلی (۱۳۳۸). «کتابخانه‌های خصوصی مهم تبریز»، نشریه کتابخانه ملی تبریز: مخصوص هفته کتاب، ش ۲ (شهریور ۱۳۳۸).
 ۱۶. مجتهدی، عبدالله (۱۳۴۱). «از حضرت آقای حاج میرزا عبدالله آقا مجتهدی مدظله»، نشریه کتابخانه ملی تبریز: به یاد مرحوم حاج محمد نجوانی، ش ۶ (دی ۱۳۴۱).
 ۱۷. مجتهدی، عبدالله (۱۳۸۵). «آمیزه علم و اخلاق»، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمد نجوانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 ۱۸. مجتهدی، مهدی (۱۳۷۷). رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، تهران: زرین.
 ۱۹. محمدپور، محمد (۱۳۸۴/۸/۲۴). «احیای سنت اهدای کتاب در تبریز». روزنامه ایران، ش ۳۳۱۰.
 ۲۰. مدرس، علی اصغر (۱۳۴۱). نشریه کتابخانه ملی تبریز: به یاد مرحوم حاج محمد نجوانی، ش ۶ (دی ۱۳۴۱).
 ۲۱. نجوانی، حسین (۱۳۸۵). «شرح بعضی از کتب خطی و آثار محمد نجوانی»، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمد نجوانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.